

تائیشو: سخنان شینران، مؤسس مکتب آیین بودای جودوشین شو^۱

ترجمه و مقدمه: ابوالقاسم جعفری*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۲]

چکیده

تائیشو یکی از کتاب‌های مقدس و در عین حال مختصر و مهم آیین بودای جودوشین شو یا سرزمین پاک در ژاپن است که سخنان و تعالیم شینران درباره راه آسان از طریق ذکر نام آمیدا را در مقابل راه دشوار رهروان بودایی توضیح می‌دهد. سخن شینران این است که عهد آمیدا در متون مقدس مکتب سرزمین پاک، مبنی بر نجات افرادی که به او ایمان دارند و بر اساس این ایمان نام او را بر زبان می‌رانند، همه‌شمول است و نیازی به انجام دادن اعمال سخت و مطالعات متون مقدس، که جزء احکام دیرنشینی بودایی است، ندارد. این عهد نخستین، فرادراک بوده و تحت تأثیر اعمال و اندیشه‌های افراد نیست و بیانگر شفقت محض آمیدا به موجوداتی مانند ما انسان‌های معمولی و غیررهرو بودایی است که توان رسیدن به روشن‌شدگی را نداریم. اثر وضعی نمبوتسو که ذکر نام آمیدا است، تولد در بهشت آمیدا یا سرزمین پاک و سعادت عظیم، پس از مرگ است که موجب رسیدن به روشن‌شدگی در آن عالم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تائیشو، شینران، جودوشین شو، آمیدا بودا، نیروی دیگر، سرزمین پاک، نمبوتسو، عهد نخستین آمیدا.

۱. مشخصات کتاب‌شناختی اصل این اثر چنین است:

Tannisho (1989). Nishi Hongwanji (tr.), Yoshifumi Ueda & Dennis Hirota (eds.), Kyoto: Hongwanji International Center.

* هیئت علمی گروه ادیان غیرابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. agjafari@yahoo.com

مقدمه

تانیشو، متنی مقدس و مختصر در آیین بودای جودوشین‌شو (Jōdoshinshū) ژاپن است که شامل سخنان و تعالیم شینران،^۱ عالم قرن سیزده میلادی، است که پس از مرگش یکی از شاگردانش نگاشته است. اهمیت این کتاب در این نکته کلیدی است که نجات در آیین بودا، در انحصار عالمان و رهروان بودایی نیست و اصولاً هیچ‌کدام از احکام دیرنشینیه اصالت ندارد. به عبارت دیگر، چون در متون مقدس آمیداپرستان ذکر شده که آمیدا عهد بسته است تمام کسانی را که نامش را بر زبان می‌آورند نجات دهد، مردم عادی نیز مشمول این عهد خواهند بود و در این میان، فقط ایمان و ذکر نام او کافی است. منظور از نجات و رهایی در مکتب جودوشین‌شو این است که شخص مؤمن پس از مرگ، در عالم دیگری به نام «سرزمین پاک» (pure land) (san: Sukhāwātī) که متعلق به بودای آسمانی، آمیدا (Amida) است متولد خواهد شد. اهمیت جامعه‌شناختی این کتاب در تأثیری است که بر سبک زندگی جامعه بودایی ژاپن داشته است. مثلاً اگر در ژاپن می‌بینیم که قریب به اتفاق رهروان و مقامات بودایی ازدواج می‌کنند، دارای فرزند، خانه و دارایی می‌شوند و از انواع غذا، از جمله گوشت تغذیه می‌کنند، به دلیل وجود اصلاحاتی است که امثال شینران در تاریخ آیین بودای این کشور داشته‌اند. در مقابل، مثلاً در کشوری مانند میانمار که آیین بودای تیره‌واده جریان دارد، رهروان تا آخر عمر یا تا زمانی که رهرو هستند، مجرد، و ساکن دیرها هستند و گاه برای تکدی بیرون می‌آیند و در شهر گردش می‌کنند. حق ندارند پول و دارایی داشته باشند و خوردن بسیاری از غذاها، به‌ویژه گوشت برایشان ممنوع است (Kuramoto, n.d.: 64). این تفاوت در سبک زندگی رهروان بودایی که در طول صدها سال بدان عمل کرده‌اند، باعث تفاوت‌های ساختاری در فرهنگ و جامعه کشورهای مختلف بودایی شده است. مردم ژاپن، برعکس جوامع تیره‌واده‌ای، به‌راحتی مدرنیته را پذیرفتند و به رشد آن کمک کردند. پروتستان‌تیسیم شینران، رهبانیت محضی را که در

تائیشو: سخنان شینران، مؤسس مکتب آیین بودای جودوشین شو / ۱۳۵

آیین بودای قبل از خودش برقرار بود در هم شکست و راه جدیدی را معرفی کرد. شینران، که عالمی برجسته در مطالعه متون مقدس بود، پس از سال‌ها تمرین عملی و مطالعه علمی با شجاعت بی‌نظیری، در تعالیم بودایی تجدید نظر، و در اصالت همه رسوم و مناسک سخت و طاقت‌فرسای دیرنشین تشکیک کرد. برگردان حاضر از متن تائیشو، از ترجمه انگلیسی کتاب تائیشو است که جمعی از مترجمان بخش بین‌الملل معبد هونگوانجی، نماینده مکتب جودوشین شو در ژاپن، از ژاپنی به انگلیسی ترجمه کرده‌اند. اصطلاحات جودوشین شو زیر نظر پروفیسور میتسویا داکه (Mitsuya Dake)، مدرس و هیئت علمی دانشگاه ریوکوکو (Ryukoku university) در مطالعات بودایی و نماینده معبد هونگوانجی کیوتو تبیین شد و دکتر توسئی سانو (Tosei Sano)، استاد مطالعات ایرانی دانشگاه ریوکوکو، متن فارسی آن را مقابله کرد که از زحماتشان سپاس گزارم. البته تائیشو ترجمه‌های مختلفی به انگلیسی دارد که ترجمه هونگوانجی از ترجمه‌های بسیار دقیق است.

رساله تائیشو تعدادی اصطلاح دارد که دانستن آن برای فهم این متن ضروری است. در اینجا می‌کوشیم به اختصار این اصطلاحات را توضیح دهیم.

آمیدا و سرزمین پاک

«آمیدا» یا «امیتابه» (Amitābah) نام بودای آسمانی در مکتب مهاییانه است که در مذهب بودایی «سرزمین پاک» در چین، کره و ژاپن پرستیده می‌شود. «آمیدا» به معنای نور بی‌پایان یا حیات سرمدی است. واژه «بودا» نیز در اینجا نه به معنای سیدارته شاکیه‌مونی، بنیان‌گذار آیین بودا، بلکه به معنای لغوی‌اش، یعنی بیدار و به بیداری رسیده است. پس «آمیدا بودا» تقریباً به معنای نور بیدار یا حی بیدار یا چیزی همانند آن است (Shigaraki, 2013: 25). به همین دلیل با مفهوم «خدا» در ادیان ابراهیمی شباهت دارد و با آن مقایسه شده است (Yokota, 2005: 97). بهشت یا عالمی که آمیدا در آن است و قرار است پیروانش را پس از مرگ به آنجا ببرد «سوکاوتی» یعنی «سرزمین

پاک» است که گاه به «پاک بوم» یا «عالم پاک» نیز ترجمه می‌شود. در متن تأنیثی به سرزمین پاک، «سرزمین برکت»، «سعادت عظیم» و «سرزمین پاداش» نیز می‌گویند.

نیروی خود و نیروی دیگر

شینران در مکتب جودوشین شو می‌گوید آنچه باعث نجات می‌شود «نیروی خود» ما نیست. یعنی تلاش و ریاضت ما نیست که اساس نجات ما را تشکیل می‌دهد، بلکه «نیروی دیگر» است که منظور از آن، اراده و خواست آمیدا است. به سخن دیگر، توسل به آمیدا از طریق تکرار نام او، که عمل «نمبوتسو» نام دارد، باعث می‌شود انسان، پس از مرگ در بهشت و سرزمین پاک آمیدا به دنیا بیاید. در متن کتاب هر جا سخن از تولد است منظور از آن، تولد در همین سرزمین پاک است و هر جا سخن از «نام» و «نمبوتسو» است منظور از آن، ذکر نام آمیدا است. نمبوتسو یعنی «نام آمیدا بونتسو». «نام» از ریشه «نمه» به معنای نماز بردن و ستایش نیز هست. البته در اینجا منظور از آن را همان «نام»، از ریشه سنسکریت می‌دانند که ستایش می‌شود. «بوتسو» نیز به ژاپنی یعنی بودا. پس «نمبوتسو» یعنی ستایش می‌کنم آمیدا بودا را، یا «به نام آمیدا بودا» (Hirota & Others, 1997, vol. 2: 195).

راه آسان و راه دشوار

منظور از «راه آسان» که در متن حاضر آمده است ذکر نام آمیدا است که همان راه نمبوتسو یا راه سرزمین پاک است که شینران آن را به پیروانش معرفی می‌کند. این راه را شینران در مقابل «راه دشوار»، که همان راه رهروان دیرنشین بودایی است، معرفی می‌کند؛ راهی که به سال‌ها ریاضت، دیرنشینی و خواندن و حفظ متون مقدس نیاز دارد و برای افراد معمولی ممکن نیست. شینران سخنان دیگر مکاتب بودایی را نقد می‌کند و در عین احترام به راه دشوار فرزندان بودایی، ایمان به آمیدا و ذکر نام او را برای نجات کافی می‌داند و ریاضت‌های دیرنشینی را بیهوده. شینران از «راه آسان» به «راه

بی سوادان»، «راه عوام و غیرروحانیان» نیز تعبیر می کند که در مقابل «راه فرزندگان»، «راه رهروان و راهبان» است.

عهد نخستین آمیدا

منظور از «عهد»، «عهد نخستین» و عناوین دیگر، اشاره به عهدهای چهل و هشت گانه ای است که طبق متون مقدس این مکتب، آمیدا با خودش بسته است که مهم ترینشان این است که هر کس نام او را بر زبان آورد و به او متوسل شود، تولد در بهشت خویش را برای آن شخص تضمین کند. این عهدی که آمیدا با خودش بسته است شفقت محض است و ربطی به تلاش پیروان ندارد. این عهد «عهد کاسوئی» نام دارد و اگرچه در عدد هجدهمین عهد از عهدهای چهل و هشت گانه است اما در این رساله از آن به «عهد نخستین» یاد می شود. چون مهم ترین عهد است. آمیدا در این عهد با خود پیمان می بندد هنگامی که مقام بودایی (کامل) برای او فراهم شد، که با ورود به آن دیگر از موجودات زمینی مانند ما کاملاً جدا می شود، اگر دید موجوداتی نام او را می گویند یا می شنوند و افکارشان پیوسته به اندیشه در تولد در سرزمین آمیدا مشغول است، فضایل را در خود پرورش می دهند، و با تمام وجود آرزوی بازتولد در سرزمین آمیدا را دارند، تا مادامی که خواسته شان را برآورده نکرده وارد عالم پری نیروانه و بوداشدگی کامل نخواهد شد. از این نکته در رساله به «شفقت فراادراک» نیز تعبیر شده است. فراادراک یا ادراک ناپذیر یعنی اینکه اولاً اصل و حقیقتش برای ما ادراک پذیر نیست، و ثانیاً چون فراادراک است از اراده و اعمال ما تأثیر نمی پذیرد و از این رو، برای اینکه شفقت شامل حال ما شود نیازی به انجام دادن اعمال رهروانه و مانند آن نیست. در این خصوص سوتره های آمیدا توضیح کافی دارند (Shgaraki, 2013: 144). انگیزه نگارش تائیشو به روشنی در مقدمه اش آورده شده است. نویسنده می گوید به این دلیل که عقاید برخی از پیروان شینران از ایمان درست دور شده بود اقدام به نگارش تائیشو کرده است.

[متن] تائیشو: نکاتی در تأسف به دلیل بروز اختلاف

پیش گفتار

وقتی این حقیر بارها در ذهنم به گذشته و زمان حال^۲ می‌اندیشم بر انحرافات واقع شده در تعالیمی که از استاد فقیدمان [شینران] شفهاً برای ما بر جای مانده بود متأسف می‌شوم و از این می‌ترسم که در دل رهروانی که از این پس خواهند آمد تردید پیدا شود. اگر این استاد از بخت خوش ما سر راهمان قرار نمی‌گرفت، چگونه می‌توانستیم به «راه آسان» دست یابیم؟ ما نباید اصل اعتقادی «نیروی دیگر» را با نظرات و برداشت‌های خودمان تحریف کنیم. به همین دلیل، من کلمات شینران شونین^۳ فقید را که هنوز طنینشان را در ذهنم می‌شنوم، مکتوب می‌کنم. این کار صرفاً به منظور از بین بردن تردیدها در پیروانش انجام می‌شود (پایان پیش گفتار).

فصل اول

وقتی باور داریم که در «سرزمین پاک» به دنیا می‌آییم و به واسطه «عهد فراادراک» آمیدا نجات می‌یابیم، این اشتیاق در ما پیدا می‌شود که نمبوتسو را به زبان آورده و زمزمه کنیم. در این لحظه، ما در برکات پذیرفته شدن و رهانشدن^۴ سهیم می‌شویم. باید بدانیم که عهد نخستین آمیدا تفاوتی بین پیر و جوان و خوب و بد قائل نمی‌شود و صرفاً ایمان است که اهمیتی متعالی دارد، زیرا این عهدی است که برای نجات موجودات، بار سنگین گناهان و احساساتشان را به دوش می‌کشد. از این رو اگر ما به عهد نخستین اعتقاد داشته باشیم، به خیر و نیکی دیگری نیاز نخواهیم داشت. زیرا هیچ خوبی و نیکی دیگری نمی‌تواند بر نمبوتسو برتری پیدا کند. همچنین، نباید از هیچ شری^۵ ترسید. زیرا هیچ شری وجود ندارد که بتواند مانعی برای عهد نخستین آمیدا باشد. چنین گفته شد.

فصل دوم

هدف دیدار شما^۶ که بیش از ده استان را درنوردیده و خطر مرگ را به جان خریده و به اینجا برای دیدار من آمده‌اید این است که از من درباره راه تولد در سرزمین سعادت عظیم^۷ پرسید. اما اگر فکر می‌کنید من راهی را برای تولد،^۸ غیر از نمبوتسو می‌دانم، و عالم به متون و کتاب‌های مقدس تعالیم راه بودایی هستم، دچار خطای بزرگی شده‌اید. عالمان برجسته پرشمار در پایتخت جنوبی^۹ و در کوهستان شمالی^{۱۰} هستند که اگر سخنانم برایتان خوشایند نبود بهتر است به سراغ آنها بروید و از آنها پرسید.

من که شینران هستم، فقط تعالیم استاد ارجمندم^{۱۱} را باور دارم که می‌گفت آمیدا بودا ما را به واسطه ذکر نمبوتسو نجات خواهد داد. البته نمی‌دانم آیا واقعاً ذکر نمبوتسو دلیل تولد در سرزمین پاک است یا خیر؛ و آیا این تعالیم من درست است یا خیر. فقط می‌دانم که اگر استادم هونن مرا فریفته باشد و برخلاف سخن او ذکر نمبوتسو خاصیتی نداشته باشد، اگر به دوزخ هم بروم هیچ افسوسی نخواهم خورد. زیرا اگر می‌توانستم با انجام دادن عملی غیر از نمبوتسو بودا شوم و ذکر نمبوتسو مرا به دوزخ می‌برد، آنگاه از اینکه فریب خورده‌ام افسوس می‌خوردم، اما فعلاً راهی به رهایی غیر از نمبوتسو نیست، پس اگر از استادم اطاعت نمی‌کردم قطعاً اهل دوزخ می‌شدم.

عهد نخستین آمیدا درست است، چون [در سخنان شاکیه‌مونی به آن اشاره شده و] سخنان شاکیه‌مونی درست است. اگر سخنان شاکیه‌مونی درست است آنگاه شرح زندو^{۱۲} بر سخنان او درست است. و اگر شرح زندو درست باشد، چگونه گفته‌های هونن [که بر اساس سخنان زندو است] نادرست خواهد بود؟ و اگر گفته‌های هونن درست است، پس آنچه من، شینران، می‌گویم نیز باید درست باشد. پس اعتقاد من نادان^{۱۳} چنین است که گفتم. در عین حال اینکه آیا نمبوتسو را می‌پذیرید و به آن ایمان می‌آورید یا آن را رد می‌کنید کاملاً به خود شما مربوط است. این چنین گفته شد.

فصل سوم

[من می‌گویم] اگر قرار است انسان‌های خوب در سرزمین پاک متولد شوند، پس انسان‌های بد به طریق اولی باید چنین باشند؛ اما معمولاً مردم می‌گویند: «اگر انسان بد در سرزمین پاک متولد شود، پس انسان نیک به طریق اولی باید چنین باشد». در نگاه اول، این دیدگاه منطقی به نظر می‌رسد، اما مغایر با مدعای عهد نخستین و «نیروی دیگر» است. زیرا کسانی که با تکیه بر «نیروی خود» اعمال نیک انجام می‌دهند به «نیروی دیگر» اعتماد کامل ندارند. پس اعمالشان مطابق با عهد نخستین آمیدا نیست. پس اگر آنها ذهنیتشان را از تکیه بر «نیروی خود» تغییر دهند و بر «نیروی دیگر» اعتماد کنند، تولدشان در سرزمین حقیقی پاداش تضمین خواهد شد.

آمیدا عهد خود را از سر شفقت و دلسوزی برای ما قرار داد که سرشار از هواهای بدیم و کسانی هستیم که نمی‌توانیم به هیچ طریقی خود را از سمساره نجات دهیم. از آنجا که هدف عهد او، دستیابی افراد گناهکار به بوداشدگی است، پس به‌خصوص، فرد گناهکاری که به «نیروی دیگر» اعتماد می‌کند همان فردی است که دلیل درستی برای تولد در سرزمین پاک دارد. بنا بر آنچه گفته شد، این سخن استاد که گفت: «اگر انسان خوب در سرزمین پاک زاده شود، پس انسان بد (و گناهکار) به طریق اولی در آن زاده خواهد شد» سخن درستی است. چنین بود آنچه استاد گفت.

فصل چهارم

میان شفقتی^{۱۴} که در «طریق عالمان» است و آن شفقتی که در «طریق سرزمین پاک» است تفاوت وجود دارد. شفقت موجود در طریق عالمان شفقتی است که برای پرورش آنها است، اما نجات در این روش بسیار دشوار است. ولی در روش سرزمین پاک، رسیدن به مقام بودایی از طریق ذکر نمبوتسو به سهولت امکان‌پذیر است و نیز سودرسانی به موجودات، به گونه‌ای که آرزو داریم با مهر و رحمت بی‌متها دست‌یافتنی است. پس چون نجات دیگران به گونه‌ای که برای خود می‌خواهیم دشوار

است، هر چقدر هم که در این زندگی برای دیگران دلسوزی کنیم [و آنها را به تعالیم سخت مجبور کنیم]، چاره‌ساز نخواهد بود. از این رو تأکید اصلی در «شفقت عظیم» فقط بر ذکر نمبوتسو است. چنین گفته شد.

فصل پنجم

من، که شینران هستم، حتی یک بار هم نمبوتسو را به نیت فرزند و والدین [به نیت گسست چرخه تناسخ] ذکر نکرده‌ام. زیرا همه موجودات، در برخی از تولدها یا زندگی‌هایشان، والدین یا برادران من بوده‌اند. وقتی در زندگی بعدیمان بودا شدیم، می‌توانیم همه آنها را نجات دهیم.

اگر ذکر نمبوتسو با «نیروی خود» به درستی انجام می‌شد، آنگاه می‌توانستیم از آن برای نجات پدران و مادرانمان استفاده کنیم. اگر «نیروی خود» را رها کنیم و به سرعت به روشن‌شدگی برسیم، در آن صورت خواهیم توانست با نیروهای متعالی و ابزارهای مناسب، ابتدا کسانی را که ارتباط نزدیکی با ما دارند از هر گونه رنج کرمه‌ای در شش اقلیم و چهار تولدی که ممکن است در آنها غرق شده باشند نجات دهیم [و سپس دیگران را]. پس این‌گونه گفته شد.

فصل ششم

نزاع با پیروان نمبوتسو در مسائلی [مانند اینکه شاگرد کدام استاد و مکتبی؟] که برخی می‌گویند «اینها شاگردان من هستند»، یا «آنها شاگرد شخصی دیگر هستند»، به معنای واقعی کلمه غیرمنطقی است. من، شینران، حتی یک شاگرد هم برای خود ندارم. زیرا فقط اگر با تلاش خودم می‌توانستم آنها را به نمبوتسو و نجات برسانم می‌توانستم بگویم آنها شاگردان من‌اند. اما وقتی آنها را نیروی آمیدا و ذکر نمبوتسو هدایت می‌کند، کاملاً مضحک است که من آنها را شاگرد خود بخوانم.

[ای دوستان] اگر زمینه فراهم است باید یکدیگر را ملاقات کنیم و گرنه باید از هم جدا شویم. برخی، به نادرست می‌گویند اگر فردی در طریق نمبوتسو از استادش جدا شود و به جای دیگری برود، در سرزمین پاک متولد نخواهد شد! این سخن کاملاً بی‌معنا است. آیا منظورشان این است که می‌خواهند ایمانی را که آمیدا بودا عطا می‌کند به گونه‌ای جلوه دهند که گویی از آن خود آنها است؟ این دیدگاه حتماً نادرست است. برای انطباق با اصل «عهد نخستین آمیدا» ابتدا باید بدانیم چه اندازه مدیون [آمیدا] بودا هستیم و نیز سپاس‌گزار استاد خویش باشیم. پس این چنین گفته شد.

فصل هفتم

اهل نمبوتسو در راهی یگانه و بی‌مانع‌اند. زیرا خدایان آسمان‌ها و زمین^{۱۵} در تکریم اهل عمل نمبوتسو مؤمنانه گُرنش می‌کنند، و مارَه‌ها^{۱۶} و غیربوداییان نمی‌توانند مانعشان شوند. و نیز آثار هیچ گناهی مانع نجات آنها نیست. زیرا هیچ خیری بالاتر از نمبوتسو نیست. این چنین گفته شد.

فصل هشتم

نمبوتسو برای کسانی که آن را انجام می‌دهند نه عملی عبادی است و نه فضیلت. زیرا نمبوتسو عملی نیست که با استفاده از ابتکار خود انجام داده باشیم. و نیز فضیلت نیست، زیرا با استفاده از قدرت ابتکار و اراده خود آن را کسب نکرده‌ایم. پس، نیل به آن تماماً از طرف «نیروی دیگر» بوده و هیچ ربطی به «نیروی خود» ما ندارد. از این‌رو، نمبوتسو برای عاملانش عمل و فضیلت شمرده نمی‌شود. این چنین گفته شد.

فصل نهم

از استادم [شینران] پرسیدم: «وقتی نمبوتسو را به زبان می‌آورم، به‌ندرت جانم به وجد و سرور می‌آید، و کمتر شوق تولد در سرزمین پاک را دارم. چرا این‌گونه است؟». شینران شونین پاسخ داد: «من نیز همین پرسش را از استادم داشتم و اکنون، ای آقای

یوئی‌ان، تو نیز در همان موقعیتی!». پس بدان که اگر ما بارها و بارها به موضوع تولد بیندیشیم، متوجه خواهیم شد که تولد ما در سرزمین پاک کاملاً تضمین شده است؛ به همین دلیل، در آنچه برای ما مقدر است بیش از حد مسرور شدن و در زمین و هوا به رقص و پای‌کوبی پرداختن لازم نیست. البته این تأثیر هواهای نفسانی بر جان ما است که نمی‌گذارد در موضوعی که باید بدان مسرور باشیم، شاد شویم. به همین دلیل [آمی‌دا] بودا که این مطلب را از پیش می‌دانست، ما را «عوام فناپذیری که سرشار از شرور نفسانی‌اند» نامید. از این‌رو، به نظر من در خور اعتمادترین نکته، صرفاً اصل درک این مطلب است که ما حتماً از «عهد شفقت‌آمیز نیروی دیگر» بهره‌مند خواهیم شد [و نیازی به شوق و طلب بسیار برای تولد در سرزمین پاک نیست].

بار دیگر می‌گوییم که شوق ما در طلب تولد در سرزمین پاک اندک است، به طوری که وقتی اندکی بیمار می‌شویم احساس بی‌پناهی می‌کنیم. چون می‌ترسیم بمیریم. همه اینها به دلیل وجود شرور باطنی در ما است. ترک‌کردن این سرزمین رنج‌آمیزمان، یعنی جایی که در طی اعصار بی‌شمار پیش از این در آن بوده‌ایم و اکنون در آنیم، دشوار است. پس ما هیچ اشتیاقی برای سرزمین پاک، سرزمین آرامش پایدار که قرار است در آنجا زاده شویم، در خود احساس نمی‌کنیم. پس ببینید هواهای نفسانی ما چه اندازه قدرتمند و شدیدند! در عین حال ما برای ترک این جهان گذرا اکراه داریم، ولی وقتی ارتباطمان با آن به پایان رسید و بی‌پناهان به انتهای کار رسیدیم، ناگزیر باید جان بسپاریم و در سرزمین پاک زاده شویم. اما آمی‌دا بودا عنایت ویژه‌ای به کسانی دارد که هیچ شوق و شتابی برای رفتن به سرزمین پاک ندارند. به این دلیل، حتی پیش از پیش، در خور اعتماد بودن «شفقت عظیم [آمی‌دا]» و «عهد بزرگ [آمی‌دا]» را حس می‌کنیم و متوجه می‌شویم که تولدمان در آن سرزمین قطعی است. پس [به نظر من، اگر تولد در سرزمین پاک برای ما قطعی است]، اگر در جانمان لذت و شادکامی باشد و شوق تولد در سرزمین پاک را داشته باشیم باید در خودمان شک کنیم که شاید چیزی از هواهای نفسانی داریم! این چنین گفته شد.

فصل دهم

اساس نمبوتسو بر بی تأثیری «نیروی خود» است؛ زیرا نمبوتسو فراتر از تعریف، توصیف و تصور است. استاد چنین گفت.

فصل یازدهم

بعضی^{۱۷} از مردم، وقتی می بینند افراد بی سواد^{۱۸} نمبوتسو را ذکر می کنند، با مطرح کردن شبهاتی این چنین آنها را می ترسانند: «آیا شما به فراادراک بودن عهد ایمان دارید و با این حال، ذکر نمبوتسو می کنید؟ آیا شما به فراادراک بودن نام [آمیدا] ایمان دارید و به نمبوتسو می پردازید؟». آنها بدون اینکه درک روشنی از معنای «فراادراک بودن» مطرح کنند، فکر مردم بی سواد و غیررهرو را دچار سردرگمی می کنند. این مطلب باید بارها و بارها مد نظر قرار گیرد و کاملاً تبیین شود.

عهد آمیدا فراتر از ادراک بود. به همین دلیل، آمیدا نام خودش را که ذکرش آسان است، آشکار کرد و متعهد شد کسانی را که نام [او] را ذکر می کنند بپذیرد. پس، به عقیده ما، نمبوتسو ابزار شفقت از سوی او است و ایمان داریم که همین فراادراک بودن «عهد بزرگ شفقت آمیز آمیدا» ما را از چرخه زاد و مرگ [تناسخ] رها خواهد کرد. در این صورت هیچ قوه تدبیری از خود ما [در این رهایی] دخالت ندارد. از این رو، طبق محتوای عهد، ما در سرزمین پاداش متولد خواهیم شد. اگر ما به فراادراک بودن عهد، ایمان داشته باشیم، به فراادراک بودن نام نیز می رسیم. از این رو فراادراک بودن عهد و نام، موضوع واحدی هستند، نه دو موضوع جدا از یکدیگر.

پس، کسانی که فکر می کنند خوب بودن باعث تولد [در سرزمین پاک] شده و بد بودن مانع از تولد در آن است، به فراادراک بودن عهد اعتماد نکرده اند و به تدبیر خود [و نه توسل به نیروی آمیدا] برای تولد اعتماد می کنند و نام [آمیدا] را مثل «نیروی خود» می انگارند. این افراد نیز به فراادراک بودن نام، ایمان ندارند. به هر حال آنها که ایمان ندارند، باید در سرزمین حاشیه ای، عالم کاهلی و غرور، قلعه شک و تردید، و کاخ

تأیید: سخنان شیران، مؤسس مکتب آیین بودای جودوشین شو / ۱۴۵

زهدان متولد شوند، ولی به لطف عهد، رستگاری نهایی‌شان اتفاق خواهد افتاد و در نهایت در سرزمین پاداش زاده خواهند شد که به دلیل فرادراک‌بودن نام و فرادراک‌بودن عهد است. پس، این دو یک حقیقت‌اند.

فصل دوازدهم

برخی از مردم می‌گویند کسانی که سوتره‌ها و شروحشان را نخوانده و نیاموخته‌اند، اطمینانی به تولدشان در [سرزمین پاک] نیست. این عقیده اشکال دارد. خود آن متون مقدسی که اصالت «نیروی دیگر» را توضیح می‌دهند تصریح دارند که ایمان به عهد نخستین و ذکر نمبوتسو، ما را به مقام بودایی خواهد رساند. علاوه بر این، کدام عمل است که اجرایش برای تولد [در سرزمین پاک] واجب باشد؟ هر کس در این ادعای من تردید دارد برود و معنا و مقصود «عهد نخستین» را بازخوانی کند. افسوس که افرادی سوتره‌ها و شروح مربوط به آنها را می‌خوانند ولی معنای درست این متون مقدس را تشخیص نمی‌دهند!

از آنجا که ذکر «نام» برای عوام مردم ساده شده است، عوام [بی‌سواد]ی که حتی یک کلمه را نمی‌شناسند و با سوتره‌ها و تفاسیرشان آشنا نیستند، این کارشان [ذکر نمبوتسو] «عمل ساده» نامیده می‌شود. راهی که آموزش‌های [بودایی] را ضروری می‌داند، راه فرزنانگان^{۱۹} است و راه «عمل دشوار» نامیده می‌شود. علاوه بر این، شهادی از یک عبارت وجود دارد که تولد [در سرزمین پاک] را برای کسانی که به دلیل رسیدن به شهرت و ثروت، متون مقدس را مطالعه می‌کنند [یعنی دانش بودایی دارند ولی نیست درست ندارند]، نفی کرده است.

در این ایام، پیروان راه نمبوتسو و پیروان راه فرزنانگان، درگیر مشاجره بر سر موضوعات اعتقادی هستند و هر کدام ادعا می‌کنند که آموزه‌هایشان برتر است و بقیه کم‌ارزش‌اند. در چنین اوضاعی مخالفان تعالیم بودایی به کل «درمه [= کل تعالیم بودا]» دشنام می‌دهند. پس آیا این کارشان موجب وهن و تخریب تعالیم خودشان نیست؟

حتی اگر همه مکاتب دیگر به ما توهین کنند و بگویند نموتسو برای افراد عوام است، و اینکه اعتقاد ما پیروان عمل نموتسو سطحی و حقیر است، باز باید از مشاجره پرهیزیم و فقط بگوییم که: «به ما آموخته‌اند افراد کم‌سوادی مثل ما را فقط ایمان [به آمیدا] نجات می‌دهد. پس اعتقاد ما چنین است. این آموزه شاید نزد فرزندگان و عالمان [آیین بودا]، حقیر باشد اما برای ما والاترین آموزه است».

حتی اگر آموزه‌های دیگر برتر باشند، ما تاب انجام‌دانشان را نداریم. زیرا فراتر از ظرفیت ما هستند. از آنجا که نیت واقعی همه بوداها این است که همه ما و دیگر موجودات را از سمساره رها کنند، پس لطفاً مزاحم ما نشوید.^{۲۰} اگر با مخالفانمان این‌گونه و بدون غرض رفتار کنیم، چه کسی به ما آسیب خواهد رساند؟ علاوه بر این، باید به یاد داشته باشیم که شاهدی از یک عبارت هست که می‌گوید: «جایی که مشاجره هست، هواهای شرارت‌بار بسیاری پدیدار می‌شوند. از این‌رو، فرد عاقل باید از چنین عملی پرهیزد».

استاد فقید (شینران) گفت: «بودا با آینده‌نگری تعلیم داد که برخی به این آموزه [آمیدا] ایمان خواهند آورد و برخی دیگر آن را انکار خواهند کرد. پس، اکنون که من بدان اعتقاد دارم، برخی هم هستند که آن را انکار می‌کنند. در نتیجه، یقین پیدا کردم که سخن بودا درست بوده است. پس باید ایمان بیاوریم که تولد ما [در سرزمین پاک] حتمی است. اگر اتفاقاً این عقیده مخالفی پیدا نکرد، باید تعجب کرد که چرا چنین است؟ چرا با وجود اینکه کسانی بدان ایمان دارند، هیچ کس منکر آن نیست؟ البته منظور من این نیست که بگوییم این آموزه لزوماً باید منکر هم داشته باشد، بلکه می‌خواهم بگویم بودا پیش‌بینی کرد که این آیین، هم مؤمن خواهد داشت و هم منکر، و از این‌رو، نکته اصلی توصیه بودا به مردم این بود که تردیدی درباره تعالیم او نداشته باشند». در دنیای امروز، ظاهراً کسانی که متون مقدس را می‌خوانند، فقط به منظور غلبه در بحث با دیگران و اشتغال به مشاجره و مناظره می‌خوانند و الا انسان هر چه بیشتر

مطالعه کند، با عمق بیشتری نیت راستین تتاگته [چنین رفته/انسان کامل] و نیز عظمت عهد شفقت‌آمیز آمیدا را درک می‌کند. و چنین شخص [مطلعی] قادر است به کسانی که در تولد بی‌سوادان [در سرزمین پاک] تردید دارند توضیح دهد که عهد نخستین ربطی به خوبی و بدی یا پاکی و ناپاکی شخص ندارد. فقط چنین فرد [مطلعی] سزاوار است که عالم خوانده شود. هر کس آنهایی را که صادقانه و مطابق با عهد [آمیدا] به ذکر نمبوتسو می‌پردازند، با گفتن جملاتی مانند اینکه: «شما باید به تحصیل متون پیردازید ...» و مانند آن، دچار تردید کند، مانعی مضر بر سر راه درمه و نیز دشمن مهلکی برای بودا [شدن] است. چنین انسان‌هایی نه تنها به قدرت «نیروی دیگر» ایمان ندارند، بلکه باعث گمراهی و ضلالت دیگران نیز هستند. ما نیز باید احتیاط کنیم که مبادا برخلاف مسیر استاد فقیدمان حرکت کنیم. در واقع، محدودکردن نجات به خواندن متون نکته تأسف‌باری است که برخلاف عهد آمیدا است.

فصل سیزدهم

برخی از مردم از ارتکاب گناه نمی‌ترسند، زیرا می‌گویند عهد نخستین آمیدا فراادراک است [و ارتکاب گناه در آن تأثیر ندارد]. این کار، اعتماد گستاخانه بر عهد نخستین آمیدا است و در نتیجه این افراد به سرزمین پاک دست نخواهند یافت. آنها با گفتن چنین سخنی تردیدشان را به عهد نخستین فاش، و جهلشان را درباره کرمه خوب و بد گذشته، برملا می‌کنند.^{۲۱}

استاد فقید گفت: «روان نیک بر اثر اعمال نیک پدید می‌آید، و اعمال و اندیشه‌های بد نیز حاصل شرور خود انسان در زندگی‌های گذشته‌اش است». ما باید بدانیم که ارتکاب گناهان ناچیز، حتی به ریزی ذره‌ای غبار بر روی موی خرگوش یا گوسفند، نتیجه کرمه‌های بد در زندگی‌های گذشته انسان است. زمانی استاد از یوئی‌ان پرسید: «ای یوئی‌ان! آیا آنچه را به تو می‌گویم باور خواهی کرد؟». پاسخ دادم آری، باور می‌کنم. سپس استاد شینران بار دیگر پرسید: «پس گفתי هر چه به تو بگویم اطاعت می‌کنی و

انجام می‌دهی؟». با احترام گفتم آری انجام می‌دهم. استاد گفت: «اکنون اگر به تو بگویم برو و هزار نفر را به قتل برسان که با این کار تولدت [در سرزمین پاک] حتمی می‌شود، آیا چنین کاری می‌کنی؟». پاسخ دادم: «من به سخنان شما احترام می‌گذارم، اما احساس می‌کنم با قابلیت‌هایی که در وجود من است حتی یک نفر را هم نمی‌توانم بکشم. استاد گفت: «پس چرا ابتدا به من قول دادی از آنچه می‌گویم سرپیچی نکنی؟» [و من از پاسخ استاد درماندم]. سپس استاد چنین نتیجه گرفت: «از همین جا باید نکته‌ای را بداننی: فرض کن که می‌توانستی هر چیزی را که دلت خواست انجام دهی، مثل اینکه اگر به تو گفته می‌شد هزار نفر را بکش تا در سرزمین پاک متولد شوی، می‌توانستی بکشی؛ ولی واقعیت این است که نمی‌توانی بکشی، زیرا هیچ پیش‌شرط کره‌ای در درون تو برای کشتن انسان نیست، و نه اینکه انسان نیک و درستی هستی. پس، [اگر پیش‌شرط کره‌ای داشتی] با اینکه هیچ تصویری از مجروح کردن دیگران نداری ولی باز ممکن بود بتوانی صد یا هزار نفر را بکشی». شینران با گفتن این سخنان به ما نشان داد که وقتی ما انسان نیکی هستیم، فکر می‌کنیم برای تولد در سرزمین پاک مناسبیم و وقتی انسان بدی هستیم، گمان می‌کنیم در آنجا متولد نخواهیم شد. و در نتیجه نمی‌دانیم آنچه باعث نجات ما و تولدمان در سرزمین پاک می‌شود حقیقت فرادراک عهد نخستین است.

روزی شخصی دچار اندیشه‌های باطل شده بود و می‌گفت چون هدف عهد [آمیدا] نجات گناهکاران^{۲۲} است، انسان باید مرتکب شرور شود تا مقدمات تولدش [در سرزمین پاک آمیدا] فراهم گردد. وقتی استاد [= شینران] این شایعه را شنید در نامه‌ای چنین نوشت: «انسان نباید فقط به این دلیل که پادزهر وجود دارد زهر بنوشد». منظورش این بود که چنین اندیشه‌ای نادرست است. منظورش این نبود که وجود شر در افراد مانعی برای تولدشان در سرزمین پاک است.

همچنین، شینران گفت: «اگر قرار باشد عهد نخستین فقط شامل حال کسانی باشد که به احکام دیرنشینی عمل می‌کنند، پس چگونه ممکن است همه از سمساره رها

شویم؟ موجودات گناهکاری مانند ما فقط می‌توانیم به عهد نخستین توکل کنیم. علاوه بر آن، هیچ کس نمی‌تواند مرتکب شری شود، بدون اینکه علت متناسب با آن در درونش وجود داشته باشد». همچنین، استاد گفت: «[از نظر عهد نخستین آمیدا] هیچ فرقی میان کسانی که در دریا و رودخانه ماهی‌گیری می‌کنند و تور می‌اندازند، با کسانی که زندگی خود را از طریق شکار وحوش و پرندگان در دشت‌ها و کوه‌ها می‌گذرانند و کسانی که زندگی خود را صرف تجارت یا کشت زمین می‌کنند، [در اینکه به نجات خواهند رسید] نیست». همچنین، گفت: «وقتی شرایط مقتضی کرمه‌ای فراهم شد، انسان مرتکب هر نوع عملی [متناسب با آن کرمه] خواهد شد!». علی‌رغم این سخنان استاد، امروزه افرادی متظاهر به زهدند که سودای نجات پس از مرگ دارند و مدعی‌اند که فقط مردم نیک شایستگی ذکر نمبوتسو را دارند. آنها علائمی را در تالار (دیرها) آویزان می‌کنند تا بگویند فقط افرادی که چنین و چنان باشند شرایط ورود به دیر را دارند. آنها به‌ظاهر عاقل، نیک، و سخت‌کوش می‌نمایند، در حالی که باطناً جویای فریب و باطل‌اند. حتی علت خطای کسانی که گستاخانه بر عهد نخستین اعتماد می‌کنند [و مرتکب گناه می‌شوند]، تحت تأثیر کرمه‌های گذشته‌شان است. به همین دلیل، پیروی از «نیروی دیگر» یعنی اطاعت از عهد نخستین، و ترک همه اعمال خوب و بدی که در کرمه‌های گذشته ریشه دارد.

در کتاب یوئی‌شین شو (Yuishinshō) آمده است: «چگونه کسی می‌تواند گستره فراگیر نیروی آمیدا را درک کرده باشد، ولی باز فکر کند که گناهکارتر از آن است که نجات پیدا کند؟». از آنجایی که تصمیم ما این است که بر عهد نخستین توکل کنیم، ایمانمان به «نیروی دیگر» جبری است.

پس اگر ما همه کرمه‌های اهریمنی و هوس‌های بد را در خود خاموش کنیم و به عهد آمیدا ایمان آوریم، دیگر لازم نیست به دلیل توسل بر عهد نخستین دچار غرور و گستاخی شویم.^{۲۳} پس اگر تأثیر هواهای بد خویش را خاموش کرده‌ایم، باید جزء

بوداها شده باشیم [در حالی که نیستیم] و برای بوداها عهدی که پنج کَلِپَه^{۲۴} طول می‌کشد تا کامل شود، نباید ضرورت داشته باشد!^{۲۵}

از سوی دیگر، کسانی هم که مردم را از مغرور شدن به دلیل اعتماد بر عهد نخستین نهی می‌کنند خود، مالا مال از ناخالصی‌ها و شرور نفسانی‌اند. زیرا معلوم نیست منظور از مغرور شدن دقیقاً کدام نوع از شرور نفسانی است، یا اینکه اطمینان بیش از حد بر عهد به چه معنا است؟ به هر حال، این بحثی کودکانه است، آیا چنین نیست؟

فصل چهاردهم

برخی از مردم می‌گویند فرد باید به این ایمان داشته باشد که با یک ذکر نمبوتسو گناهان عظیم هشت میلیارد کَلِپَه‌اش از بین می‌رود. به نظر می‌رسد این جمله برگرفته از عبارتی [از متون مقدس] است که چنین است: مردی گنهکار که ده نوع شرارت و پنج نوع گناه مهلک را مرتکب شده بود و هرگز نمبوتسو را در زندگی‌اش بر زبان جاری نکرده بود، در بستر مرگ، استادی را برای نخستین بار دید و با هدایت آن استاد، نمبوتسو را بر زبان جاری کرد و شایستگی تولد [در سرزمین پاک] را به دست آورد. گناهان هشت میلیارد کَلِپَه‌اش با این یک بار ذکر نمبوتسو نابود شد و گناهان عظیم ده‌ها میلیارد کَلِپَه‌اش، با ده بار ذکر نمبوتسو از بین رفت. ظاهراً این عبارت، تعداد «یک ذکر»، «ده ذکر» و مانند آن را بیان می‌کند تا به ما عمق بدی ده نوع شرور و پنج نوع گناه مهلک را نشان دهد. منظور این عبارت، سودی است که از نابودی گناهان حاصل می‌شود. به هر حال، این دیدگاه بسیار موجزتر از آن چیزی است که ما بدان استناد کنیم. زیرا در لحظه‌ای که فکر [ایمان] در ما ایجاد می‌شود، به خاطر تابش نور آمیدا بر ما، ایمان الماس‌گونه به ما اعطا می‌شود که دوام حقیقی دارد. و زمانی که زندگانی به پایان می‌رسد تمام هواهای شرارت‌بار و موانع معنوی درون ما تحول پیدا می‌کند و ما به روشن‌شدگی یا «بی‌زاد و مرگ شدن» می‌رسیم. ما موجودات حقیر گناهکار، بدون عهد دلسوزانه (آمیدا) چگونه می‌توانیم از چرخه تولد و مرگ رهایی یابیم؟ باید در نظر

داشته باشیم که نمبوتسوئی را که در طول زندگی ذکر می‌کنیم، تماماً برای تصدیق این مطلب است که ما مدیون شفقت عظیم تتاگنه [آمیدا/چنین رفته] هستیم و می‌خواهیم سپاس‌گزار سخاوتمندی (آمیدا) باشیم. باور به اینکه هر بار که نمبوتسو را ذکر می‌کنیم، این ذکر می‌تواند گناهانمان را نابود کند، تلاشی است برای محو گناهانمان به دست خودمان، و تلاشی است برای رسیدن به تولد [در بهشت آمیدا]. اگر این‌گونه باشد، تولد ما صرفاً از طریق ذکر نمبوتسو تا لحظه مرگ امکان‌پذیر خواهد بود [و نه فقط یک بار ذکر نمبوتسو]. زیرا هر اندیشه‌ای که ما در کل زمان زندگی در سر داریم، ما را اسیر سنساره خواهد کرد. در عین حال، از آنجا که اثر کرمه‌ای معین است، چه‌بسا بدون اینکه اندیشه درست را به دست آورده باشیم، به دلیل حادثه‌ای غیرمنتظره، یا به واسطه درد و رنج بیماری‌ها از دنیا برویم. در چنین صورتی ذکر نمبوتسو [در آن لحظه مرگ] بسیار دشوار است. [حال پرسش این است که] چگونه تأثیر گناهانی را که در زمان زندگی مرتکب شده‌ایم پاک کنیم؟ و اینکه اگر تأثیر گناهان در ما از بین نرود، تولد ما [در سرزمین پاک] ممکن خواهد بود؟

[پاسخ این است که] اگر ما به عهد [آمیدا] اطمینان کنیم که [پیروان خود را] می‌پذیرد و هرگز رها نمی‌کند، بلافاصله لایق تولد [در سرزمین پاک] می‌شویم، حتی اگر در اوضاع و احوال غیرمنتظره و بدون ذکر نمبوتسو بمیریم یا مرتکب گناهانی هم شده باشیم. علاوه بر این، حتی اگر بتوانیم نمبوتسو را [در لحظه مرگ] ذکر کنیم، این ذکر چیزی جز سپاس‌گزاری ما در برابر آمیدا بودا نیست و اعتماد به او همان نزدیک شدن زمان روشن‌شدگی ما است. اینکه بخواهیم آثار گناهانمان از بین برود، باید بدانیم که چنین باوری جز باور به «نیروی خود» نیست.^{۲۶} و این مقصود کسانی است که برای تفکر درست در زمان مرگ دعا می‌کنند. خلاصه سخن اینکه آنها به «نیروی دیگر» ایمان ندارند.

فصل پانزدهم

برخی افراد [باایمان] می‌گویند ما، حتی با وجود جسم‌های سرشار از هوا و هوس شرارت‌آمیز، پیش‌تر به روشن‌شدگی دست یافته‌ایم؛ این ناعاقلانه‌ترین دیدگاه است. تبدیل شدن به بودا با این جسم، یکی از پایه‌های تعالیم مکتب سرّی شینگون^{۲۷} است، که می‌گویند حاصل سه ریاضت عرفانی، تطهیر شش اندام حسی، آموزه «یک گردونه»، سوتره نیلوفر، است که از طریق چهار عمل آرامش دست‌یافتنی است. همه اینها اعمال دشواری است که فقط افراد هوشمند می‌توانند اجرا کنند و رسیدن به روشن‌شدگی در اینجا فقط از طریق تکمیل مراحل مدیتیشن دست‌یافتنی است. اما هدف اصلی آموزه «نیروی دیگر» در مکتب سرزمین پاک رسیدن به روشن‌شدگی در زندگی پس از مرگ است که فقط از طریق ایمان محکم به دست می‌آید. پس، این راه ما عمل آسان است که تحصیل‌نکردگان انجام می‌دهند، و آموزه‌ای است که بین انسان خوب و بد فرق نمی‌گذارد.

پس، از آنجا که جداشدن از تمام هوا و هوس‌ها و موانع شرارت‌آمیز معنوی در این زندگی بسیار دشوار است، حتی راهبان پاکی که آموزه‌های مکتب شینگون و سوتره نیلوفر را به کار می‌بندند، در آرزوی روشن‌شدگی در زندگی بعدی‌شان هستند، چه رسد به ما! پس اگرچه ما تمرینات منضبط و نیز خردورزی و دانش لازم را نداریم، ولی می‌توانیم با سوارشدن بر کشتی [نجات] عهد آمیدا از دریای رنج‌آلود تولد و مرگ بگذریم. به محض رسیدن ما به ساحل سرزمین پاداش، ابرهای تیره هوا و هوس فوراً از آسمان قلب ما دور، و ماه روشن‌شدگی ذات درمه به‌سرعت پدیدار می‌شود. آنگاه بی‌هیچ مانعی از ده جهت با نور یکی می‌شویم و به تمام موجودات بهره خواهیم رساند. فقط در آن صورت می‌توانیم بگوییم که به روشن‌شدگی دست یافته‌ایم. اما کسانی هستند که فکر می‌کنند با جسم‌های مادیشان به روشن‌شدگی دست می‌یابند، آن‌گونه که شاکیه‌مونی با تجلی در اشکال مختلف نیرمانه‌کایه و داشتن سی‌ودو نشانه عالی بدنی و

تأییشو: سخنان شینران، مؤسس مکتب آیین بودای جودوشین شو / ۱۵۳

هشتاد نشانه عالی دیگر دست یافت، و سپس می‌توانند با بیان درمه به دیگران سود رسانند.

[برخی می‌گویند] این مطلب که روشن‌شدگی در این زندگی دست‌یافتنی باشد در شعری از اشعار راهبان والامقام مذهب سرزمین پاک نیز آمده است:

آن دم که ایمان استقرار یافت؛
محکم و استوار، همانند الماس؛
نور معنوی آمیدا ما را در بر می‌گیرد،
و از ما محافظت می‌کند،
و تا ابدیت ما را از زاد و مرگ جدا می‌کند.

مطابق این شعر، در لحظه استقرار ایمان برای همیشه نور [آمیدا] ما را در بر می‌گیرد و هرگز از آن جدا نخواهیم شد و هرگز به شش اقلیم گمراهی [شامل چند آسمان، دوزخ و این دنیا] وارد نخواهیم شد. در نتیجه تا ابد از چرخه تولد و مرگ رهایی می‌یابیم. پس چگونه این مفهوم را به «رسیدن به روشن‌شدگی» تحریف می‌کنند؟ چقدر دردناک! استاد فقید گفت: «در جودوشین شو چنین به من آموختند که ما در زندگی کنونی به عهد نخستین ایمان می‌آوریم و [پس از مرگ و تولد در سرزمین پاک] در آن سرزمین به روشن‌شدگی می‌رسیم».

فصل شانزدهم

برخی می‌گویند مؤمنان [به آمیدا] وقتی عصبانی می‌شوند یا با مؤمنان دیگر درگیری لفظی پیدا می‌کنند مرتکب خطا شده‌اند و باید ذهن و جانشان را به [سوی خیر] برگردانند. ظاهراً این دیدگاه، فرد را برای جدایی از شرور و انجام‌دادن نیکی تشویق می‌کند. کسانی که نموتسو را خالصانه اجرا می‌کنند و فقط به آن عمل می‌کنند، جانشان به یکباره متحول می‌شود. یعنی فردی که تاکنون آموزه‌های حقیقی «نیروی دیگر عهد نخستین» را نمی‌شناخته است، اکنون با موهبت خرد آمیدا متوجه می‌شود که تولد [در

سرزمین پاک] با روانی که او تاکنون عزیز می‌داشته به دست نمی‌آید، و از این‌رو، با این تحول، سمت و سوی جانش تغییر می‌یابد و به عهد نخستین ایمان می‌آورد. این معنای تحول ذهن و جان است.

اگر هر صبح و شام باید از خطاهای خود توبه کنیم تا لایق تولد [در سرزمین پاک] شویم، پس عهد [آمیدا] که مؤمنان خود را می‌پذیرد و هرگز رها نمی‌کند، بیهوده خواهد بود؛ زیرا زندگی ما می‌تواند در یک لحظه خاتمه یابد، بدون اینکه در انتظار دمی دیگر بمانیم و پیش از اینکه بتوانیم توبه کنیم و در مهر و شکیبایی [آمیدا] قرار گیریم.

این افراد^{۲۸} به زبان می‌گویند به نیروی عهد اعتماد دارند اما در باطن خود چنین فکر می‌کنند که گرچه ظاهراً این عهد شامل نجات افراد شرور هم می‌شود و مفهومی فراادراک است اما فقط نجات‌بخش انسان‌های نیک [یعنی رهروان] است. با این تفکر، آنها در توانایی عهد تردید می‌کنند و به «نیروی دیگر» اعتماد ندارند. جای تأسف بسیار است، زیرا خود این افراد [نه در سرزمین پاک بلکه] در سرزمین حاشیه‌ای متولد خواهند شد. وقتی ایمان محکم شد، تولد [در سرزمین پاک] به خواست و اراده شفقت‌آمیز آمیدا حاصل می‌شود؛ از این‌رو، تدبیر خود ما این است که نباید خود را مشغول آن کنیم. هنگامی که کاملاً مرید «نیروی دیگر» شدیم، به شرارت درونی خود پی می‌بریم و احساس مهر و شکیبایی در ما به عنوان امری طبیعی، بیدار خواهد شد. ما باید درباره تولد [در سرزمین پاک] بدون اینکه به تفکرات عالمانه پردازیم، عمیقاً خود را مدیون سخاوتمندی آمیدا بدانیم. سپس، خود به خود به ذکر نمبوتسو پردازیم. این نتیجه‌ای طبیعی است. تدبیر نکردن ما [درباره تولد در سرزمین پاک و واگذاری آن به آمیدا]، طبیعی است. در واقع، این همان «نیروی دیگر» است. با این حال شنیدم که برخی افراد با حالتی فضل‌فروشانه می‌گویند امر طبیعی دیگری وجود دارد. چقدر اسفناک!

فصل هفدهم

برخی از مردم می‌گویند آنهایی که در سرزمین حاشیه‌ای متولد می‌شوند، در نهایت به دوزخ می‌افتند. آنها چه گواه متنی بر این ادعا دارند؟ رقت‌آور است که کسانی مدعی این دیدگاه شده‌اند که وانمود می‌کنند عالم‌اند. آنها چگونه از سوتره‌ها و نوشته‌های استادان چنین برداشتی داشته‌اند؟

شیندهام بی‌ایمانان، به دلیل تردیدی که در عهد نخستین دارند در عالم حاشیه‌ای زاده می‌شوند، و پس از اینکه گناه تردید از آنان زدوده شد در عالم پاداش^{۲۹} به روشن‌شدگی خواهند رسید. از آنجا که ایمان‌آوردگان [به عهد آمیدا] اندک‌اند، پس اکثر افراد به عالم تحوّل^{۳۰} می‌روند. پس این ادعا که سرانجام آنها پوچ است، به معنای آن است که تناگته [آمیدا] را متهم کنیم که ما را فریب داده است.

فصل هجدهم

برخی می‌گویند انسان به نسبت هدیه‌هایی که به جامعه رهروان بودایی می‌دهد، در آینده به بودایی کوچک یا بزرگ تبدیل خواهد شد. این دیدگاه کاملاً مضحک و نامعقول است!

ابتدا باید گفت تعیین اندازه بودا غیرممکن است. زمانی که اندازه بدن استاد اعظم در سرزمین پاک و دارای زندگی آرام را توصیف می‌کنند، منظورشان جسم متناسب با پاداش است. زمانی که فردی به سرشت درمه‌ای روشن‌شدگی دست یافت، در جایی فراسوی شکل‌هایی مثل بلند یا کوتاه، گرد یا مربع، یا دارای رنگ‌های آبی، زرد، قرمز، سفید یا سیاه خواهد بود، از این رو از کجا می‌توان تعیین کرد که او بزرگ است یا کوچک؟ می‌گویند در ذکر نمبوتسو، فرد یک «بودای تغییر شکل یافته» را می‌بیند. این مطلب ظاهراً به این عبارت سوتره‌ها اشاره دارد که می‌گوید: «فرد با بلندخواندن نمبوتسو یک بودای بزرگ را خواهد دید. یا با آهسته‌خواندن نمبوتسو یک بودای کوچک را خواهد دید». نمی‌دانم اصراری که بر

برداشت نادرستشان دارند بر اساس این عبارت است یا خیر. از سوی دیگر، می‌توان گفت پیش‌کش کردن به بودا، تمرین عمل «دانه پرامیتا» (Dāna Prāmita) است. اگر ایمان نباشد هر چیز گران‌بهایی هم که فرد به بودا پیش‌کش کند، یا به استاد خود بدهد، کاملاً بی‌فایده است. ممکن است انسان حتی یک برگ کاغذ یا سکه‌ای پول هم به جامعه رهروان بودایی پیش‌کش نکند اما از ته قلب مؤمن به «نیروی دیگر» باشد. در این صورت با عهد نخستین در تطابق کامل است. در کل، احتمالاً کسانی که چنین می‌گویند در باطن حرص و طمع دنیوی دارند و پیروانشان را با تظاهر به آیین بودا می‌ترسانند.

سخن آخر

از آنچه در متن رساله تائیشو آمده است می‌توان چنین نتیجه گرفت که آیین بودای سرزمین پاک در زمان شینران دچار تحول بزرگی شد و عموم بوداییان، راه ساده شینران را که ایمان به آمیدا بودا را برای نجات کافی می‌دانست و درباره شعائر نیز بر تکرار نام آمیدا بسنده می‌کرد بر راه مشکل‌عالمان دیرنشین بودایی ترجیح دادند و به مرور زمان از اهمیت ریاضت و قرائت متون بودایی در مکتب سرزمین پاک در آیین بودا کاسته شد. مشخص شد که اراده و تلاش خود انسان به عنوان «نیروی خود» نیست که به نجات منتهی می‌شود بلکه اراده و نیروی آمیدا، که از آن به «نیروی دیگر» تعبیر می‌شود، به نجات منتهی می‌شود که چیزی جز تولد در بهشت آمیدا نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. شینران (۱۱۷۳-۱۲۶۳ م.) راهب و عالم معروف آیین بودا و مؤسس مکتب بسیار محبوب جودوشین شو (سرزمین پاک) در ژاپن (م.).
۲. منظور از زمان گذشته زمانی است که شینران زنده بود (۱۱۷۳-۱۲۶۳ م.) و زمان حال یعنی پس از درگذشت شینران (م.).
۳. «شونین» به معنای راهب بزرگ، یکی از القاب شینران بود (م.).
۴. اشاره به عبارتی از متون مقدس مربوط به آمیدا است که می‌گوید آمیدا ما را می‌پذیرد و رهایمان نمی‌کند تا اینکه ما را به نجات برساند (م.).
۵. منظور شروری است که مانع نجات می‌شوند. به سخن دیگر، انسان مؤمن نباید از هیچ شری واهمه داشته باشد. زیرا به هر حال آمیدا قول داده است همه پیروان خود را نجات دهد (م.).
۶. در این فصل شینران نمبوتسوی عهد آمیدا را برای آن پیروانی بیان می‌کند که احتمالاً از منطقه کانتو (Kantō)، در شمال ژاپن به کیوتو آمده بوده‌اند (م.).
۷. (Gokuraku) در لغت به معنای نهایت سعادت؛ ترجمه سوکاوآتی (sukhāvātī) در لغت سنسکریت است که به معنای «دارای مسرت و خوشی» است. این نامی است که به سرزمین پاک آمیدا داده‌اند، زیرا در آنجا هیچ رنج جسمی یا ناراحتی روانی وجود ندارد (م.).
۸. از حالا به بعد، هر جا واژه «تولد» به‌تهایی بیاید، منظور «تولد در سرزمین پاک» است که به معنای رهایی و رستگاری است (م.).
۹. یعنی نارایکی از مراکز تعلیم آیین بودا در آن زمان (م.).
۱۰. کوه هی‌ای (Hiei)؛ کوهی که مرکزی برای تمرینات بودایی دارد (م.).
۱۱. منظور هونن (Hōnen) است (م.).
۱۲. زندو (Zendo) (613-681) (Chinese: Shan-tao) راهب بودایی سرزمین پاک در چین و پنجمین استاد سلسله استادان شین‌بودیسم (م.).
۱۳. به این دلیل شینران خود را گاهی نادان یا در جای دیگر شینران کچل و مانند آن می‌نامد که در این زمان او را از دیر بودایی و هر گونه مقام رهروی اخراج، و به کیوتو تبعید کرده بودند. به همین دلیل او خود را عالم و رهرو نمی‌دانست و به کنایه خود را نادان خطاب می‌کرد (م.).
۱۴. منظور از شفقت، شفقت و دلسوزی آمیدا بودا است. برای اولین بار شینران ادعا می‌کند که شفقت آمیدا بودا، هم شامل رهروان، عالمان و تحصیل‌کردگان دانش بودایی است و هم شامل انسان‌های بی‌سواد و غیررهرو عادی (م.).
۱۵. خدایان آسمان‌ها و زمین (Tenjin chigi)؛ مفهومی که در فرهنگ و عقاید باستانی ژاپن در آیین شینتو (Shinto) وجود داشته است (م.).
۱۶. اهریمنان (māra)؛ در فرهنگ هند هر موجود اهریمنی مربوط به عوالم غیرمادی را «ماره» می‌گویند (م.).
۱۷. از این فصل به بعد، نویسنده سخنانش را با این مقدمه می‌نگارد: در ایام گذشته، زمانی که استاد شینران هنوز زنده بود، افرادی با مشقت بسیار، از دوردست‌ها با هدفی مشترک به پایتخت [کیوتو] می‌آمدند و به امید تولد در سرزمین پاداش، سخنان استاد را تعلیم می‌دادند. حال تعداد بی‌شماری از

مردم، از پیر و جوان عمل نموتسو را تحت هدایت آن شاگردان به جای می‌آورند. اما اخیراً شنیده‌ام که گروه پُرشماري هم پیدا شده‌اند که دیدگاه‌های انحرافی داشته‌اند و سخنانی را به‌نادرست به استاد نسبت می‌دهند که می‌خواهم به تفصیل به این مطالب بپردازم (م).

۱۸. یعنی مردم عادی و غیرهرو که نمی‌توانند متون مقدس بودایی را بخوانند (م).
 ۱۹. منظور از فرزندگان که راهشان دشوار است، عالمان و رهروانی هستند که سال‌ها در دیرها به ریاضت، خودسازی و مطالعه متون دینی پرداخته‌اند (م).
 ۲۰. منظور این عبارات، استادانی از دیگر مکاتب آیین بودا مانند ذن است که فقط راه دشوار خودشان را نجات‌بخش می‌دانستند (م).

۲۱. این فصل می‌خواهد تأکید کند که گرچه نجات انسان مؤمن به عهد نخستین آمیدا قطعی است اما این نباید دلیل آن باشد که انسان خیالش راحت شده و از ارتکاب گناه هراس پیدا نکند. بلکه ارتکاب گناه و اعمال شرعین بی‌ایمانی به عهد آمیدا و در واقع ناسپاسی از شفقت بی‌دریغ او بوده و خود، مانع نجات است. پس اگرچه ایمان به عهد نخستین آمیدا تأثیر گرمه‌ای تمام اعمال گذشته را از بین می‌برد، اما دوری از گناه قدردانی از آمیدا بوده و برای نجات ضرورت دارد. از این‌رو، آموزه عهد آمیدا منافاتی با اخلاق و قانون کرمه ندارد (م).

۲۲. منظور از گناهکاران در اینجا مردم معمولی و غیرهرو است (م).
 ۲۳. منظور این است که فکر کند حتماً به نجات خواهد رسید. پس می‌تواند هر شر و خطایی را مرتکب شود (م).

۲۴. کلهپه (kalpa) واحد طول زمان در متون مقدس آیین هندو که بعدها در آیین بودا نیز استفاده شد و گاه برابر با حدود چهار میلیارد سال انگاشته شده است (م).

۲۵. یعنی همانند بوداها باید مدت مدیدی به عهدهای مختلف اخلاقی پای‌بند باشیم (م).
 ۲۶. یعنی اگر کسی به دنبال محو آثار گناهانش باشد، در واقع هنوز به نیروی دیگر، یعنی قدرت عهد آمیدا اعتقاد پیدا نکرده و هنوز در بند نیرو و توان خودش برای رهایی است. به عبارت دیگر، چنین کسی هنوز خودش را مؤثر در نجات خویش می‌داند و به نجات‌بخشی آمیدا هنوز شک دارد (م).

۲۷. «شینگون» نام یکی از مکتب‌های بزرگ آیین بودا در ژاپن است که ویژگی اصلی‌اش رمزآلود بودن آموزه‌های آن و تأکید بر اهمیت تن (همانند مکتب یوگا) است. «شینگون» که در لغت به معنای منتره است از شاخه‌های آیین بودای وجره‌یانه است که تکرار منتره در آن اهمیت خاصی دارد. در اینجا مخالفت آشکار شینران با مکتب شینگون بیان شده است (م).

۲۸. منظور افرادی است که بیش از حد بر رعایت شعائر ظاهری تأکید می‌کنند (م).
 ۲۹. عالم هودو (hodo) یعنی عالم جبران که در آن آنچه در این دنیا از ایمان به عهدهای آمیدا ضعف دارد جبران می‌شود (م).

۳۰. عالم کدو (kedo) در مقابل عالم جبران؛ عالمی که در آن افرادی که ایمان ندارند تحول می‌یابند و ایمان می‌آورند (م).

منابع

- Hirota, Dennis & others (1997). *Collected Works of Shinran*, 2 vols., Kyoto: Jodo Shinshu Hongwanji.
- Hirota, Dennis; Ueda, Yoshifumi (1989). *Shinran: An Introduction to His Thought*, Kyoto: Hongwanji International Center.
- Hirota, Dennis; Ueda, Yoshifumi (1989). *Tannisho*, Kyoto: Hongwanji International Center.
- Kuramoto, Ryosuke (n.d.). "Monk's Lives Shaped by Food: A Case Study in Myanmar Religious Studies in Japan", vol. 4, pp. 47-64, available at: <https://doi.org/10.20716/rsjars.90.2-29>
- Shigaraki, Takamaro (2013). *Shin Buddhist Heart*, Trans. David Matsumoto, Boston: Wisdom Publication.
- Yokota, John Shunji (2005). *Deep Religious Pluralism*, edited By David Ray Griffin, Lousville: WJK Press.